

یادداشت

دیوار اعتماد کوتاه است، سعی شود این دیوار کوتاه خراب نشود

سیدابوالفضل رضوی

نرخ مشارکت مردم در انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ قابل تمجید و تعریف نیست، فقط در حد قبول‌شدن است و به قولی قبولی نابلنونی بود. اکثریت افرادی که در انتخابات شرکت نکردند افراد با نظر، دیدگاه و باسواد بودند و مهم‌تر از آن با اراده در انتخابات شرکت نکردند. برای افزایش ارتفاع دیوار اعتماد باید:
۱- اقدامات، انتصابات و برنامه‌ها به‌گونه‌ای باشد که سبب ریزش اعتماد اعتمادکنندگان نشود.
۲- اقدامات، انتصابات و برنامه‌ها طوری باشد که قدرت‌افزایی اعتمادکنندگان را در پی داشته باشد.
۳- اقدامات، انتصابات و برنامه‌ها به‌گونه‌ای باشد که سبب توجه و جلب نظر افرادی که اعتماد نکردند شود تا شاید آنان بگویند ای کاش باور می‌کردیم. بنابراین بی‌دقتی، تعارفات معمول و همیشگی، زدوبندهای رفاقتی، حزبی و… کنار نهاده شود و با سرعت عمل و دقت نظر در اقدام به‌موقع انتصاب شایسته و برنامه اقدامی عملی شود.

خبر

سنگوی حزب ندای ایرانیان:

دولت، وفاق ملی را از سطح حاکمیت به مردم سرایت دهد

سنگوی حزب ندای ایرانیان با بیان اینکه دولت چهاردهم، ایجاد وفاق ملی در سطح جامعه و مذاکره برای حل مسائل خارجی را در اولویت خود قرار دهد، گفت: دولت تحقق برخی خواسته‌های کوتاه‌مدت مثل حل مسئله فیلترینگ و کشت ارشاد را هم در نظر داشته باشد. سعید نورمحمدی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه دولت چهاردهم دو مسئله را باید در اولویت اصلی خود قرار دهد، اظهار کرد: اولاً تلاش کند وفاق ملی را که در حال حاضر بین قوای سه‌گانه و نهادهای حاکمیتی به خوبی ایجاد شده است، به سطح مردم سرایت دهد؛ به نحوی که همه مردم، هم دولت و هم تمام ارکان دیگر نظام را متعلق به خود بدانند. این امکان‌پذیر نیست مگر با انجام برخی خواسته‌های کوتاه‌مدت مثل حل مسئله فیلترینگ و مسئله کشت ارشاد.وی ادامه داد: واقعیت امر این است که این مسئله مطالبه یک جریان سیاسی نیست و بخشی از خانواده‌های ارزشی و اصولگرا هم با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و با کشت ارشاد مخالف‌اند و ادامه این روش‌ها را ناکارآمد می‌دانند و بر ششویه‌های فرهنگی تأکید دارند. انجام این خواسته‌ها که مطالبه اکثریت جامعه ایرانی، فارغ از جریانات سیاسی است، می‌تواند منجر به برداشتن یک گام بزرگ در ایجاد وفاق ملی بین شهروندان و بین شهروندان و دولت شود. این فعال سیاسی خاطرنشان کرد: زمانی که کام اول را در ایجاد وفاق ملی در سطح جامعه برداشتیم، اولویت دوم حل مسائل خارجی کشور است. شما هیچ اقتصاددان قابلی را نمی‌توانید پیدا کنید که راه‌حل مشکلات اقتصادی را از مسیر حل مشکلات خارجی کشور ن‌داند.

داوود حشمتی: این روزها بحث وفاق به طور مکرر در رسانه‌ها مطرح می‌شود، تا جایی که خواسته یا ناخواسته نام دولت مسعود پزشکیان را دولت وفاق نامیدند. با این حال باید گفت اگرچه شرایط برای وفاق آماده است، اما وفاق عملی فعلا در میان نیست. آنچه وجود دارد، گرفتن کارت‌های بازی جریان موسوم به انقلابی از دست آنهاست. کارت‌هایی که بیش‌تر با اتکا به آن و تأکید بر کلیدواژه‌هایی خاص، دولت‌های رقیب را مورد حمله قرار می‌دادند. مسعود پزشکیان با مدل خاص سیاست‌ورزی خودش توانسته سیاست‌هایی که جریان ضد اصلاحات از آنها برای تخریب جریان رقیب استفاده می‌کرد، از دست آنها بگیرد. اما وفاق مقوله دیگری است که حتما باید به آن مرحله رسید. مهم‌ترین سؤال این است که این وفاق بر سر چیست؟ در اینجا نشان می‌دهیم که این توافق و وفاق می‌تواند بر سر «خروج از بازی ستیز و سازش و پذیرفتن اصل رقابت» باشد.

تعریف وفاق

همین دیروز بود که مسعود پزشکیان در مراسم معارفه وزیر کشور تعریفی از وفاق ارائه کرد و گفت: «همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم و باید به یک زبان و نگاه مشترک بر پایه سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برسیم و با کنار گذاشتن اختلافات حول محور اهداف مشترک وفاق کنیم». براساس این به اعتقاد او هدف مشترک که می‌توان بر سر آن وفاق داشت، «سند چشم‌انداز» است. سندی که در سال ۱۳۸۲ و پایان دولت سیدمحمد خاتمی نوشته شد و چشم‌انداز کشور را در ۱۴۰۴ مشخص کرده بود. اما آیا این سند می‌تواند پایه وفاق ملی باشد؟ اساسا وفاق به چه معناست؟ وفاق (consensus) اصطلاح جامعه‌شناسی است که واژه‌ای لاتینی است و از طرف جامعه‌شناسان در زبان‌های فرانسه و آمریکایی به کار می‌رود. وفاق دلالت دارد بر پیدایی اتفاق نظر و توافقی آشکار یا نهان در میان یک گروه یا جمعی بزرگ‌تر. خواه درباره یک وضع خاص و خواه در باب زمینه‌های اصلی حیات آن گروه یا دلایل خواست اعضای آن به اینکه حیاتی مشترک داشته باشند. ازاین‌رو جامعه‌شناسان و متفکران به‌شدت بر اهمیت وفاق به‌عنوان اساس ثبات اجتماعی تأکید می‌کنند و بر این باور هستند که همه جوامعی که طی دوره زمانی درخورتوجهی پایدار می‌مانند، دارای یک نظام ارزشی مشترک مبتنی بر باورهایی هستند که مورد قبول اکثریت جمعیت هستند. بنابراین با این تعاریف آیا ما در وضعیت وفاق قرار داریم؟ به اعتقاد برخی رای مجلس به همه کابینه مسعود پزشکیان مقدمات و نشانه‌های وفاق ملی است. اما این نظر تا چه اندازه درست است؟

رای کابینه

تلاش‌های جریان سعید جلیلی در مجلس برای حذف چند وزیر دولت پزشکیان که اتفاقاً نزدیکی بیشتری به دولت اصلاحات و دولت اعتدالی حسن روحانی داشتند، ناکام ماند. ازاین‌رو برخی معتقدند که این شکست معنایش وفاق ملی است که توانسته جریان جلیلی را عقب رانده و میان قالیباف و پزشکیان اتحاد ایجاد کند. اما واقعیت این است که این بیشتر یک ائتلاف است تا وفاق. وفاق ملی به معنای بازی با حاصل جمع صفر نیست. در وفاق ملی قرار نیست هیچ‌کس بازنده باشد. وفاق ملی بازی برد-برد است که در آن همه طرف‌ها احساس کنند بخشی از مطالبات آنها کم یا زیاد محقق شده یا در آینده امکان تحقق آن وجود دارد.

ناکامان انتخابات

اگر براساس مطالبات رای‌دهندگان بخواهیم انتخابات اخیر را دسته‌بندی کنیم، می‌توان



آنها را به چهار دسته تقسیم کرد. اول: ۵۰ درصدی که حتی در دور دوم انتخابات هم حاضر به مشارکت نشدند.

دوم: رای‌دهندگان به مسعود پزشکیان.

سوم: رای‌دهندگان به محمدباقر قالیباف در دور اول که بخشی از آنها در دور دوم البته به پزشکیان رای دادند و بخشی به جلیلی.

چهارم: رای‌دهندگان به سعید جلیلی.

از میان این چهار دسته، تنها رای‌دهندگان و حامیان پزشکیان و تا حدی حامیان قالیباف امروز احساس می‌کنند وارد بازی «برد-برد» شدند. درحالی‌که دسته اول و دسته آخر به‌هیچ‌وجه احساس نمی‌کنند از انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ برای آنها یک «برد» رقم خورده است.

اهداف مشترک

علاوه بر اینکه گروه‌های مختلف احساس برنده‌بودن ندارند، باید دید که آیا در اهداف می‌توان به نقطه اشتراکی رسید؟ آنچه پزشکیان تلاش می‌کند به‌عنوان هدف مشترک به جامعه ارائه کند، سند چشم‌انداز است؛ سندی که در آن قرار بود ایران به‌عنوان قدرت اصلی منطقه شناخته شود و در توسعه به حدی از توانمندی رسیده باشد که دیگر کشورهای منطقه توان رقابت با آن را نداشته باشند. به‌عنوان مثال سند چشم‌انداز وضعیت اقتصادی در افق ۱۴۰۴ را این‌گونه ترسیم می‌کند: «دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل». همچنین در حوزه سیاست خارجی این سند آمده: «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت». از نگاه جریان رای‌دهنده به سعید جلیلی، ایران چندان دور از افق ترسیم‌شده به سر نمی‌برد. در حوزه‌های مختلف ازجمله علمی رشد پرشانی داشته و در نزدیکی‌های کشودن «افق‌های تمدنی» به سر می‌برد. از نگاه آنها تنها کمی مشکل است آن‌هم مسئله اشتغال کامل است که دولت رئیسی با ایجاد سالانه یک میلیون شغل مشغول حل آن مشکل بود. همچنین چه کسی می‌تواند یک معنای مشترک میان سه دسته اول، دوم و سوم بر سر سیاست خارجی ایجاد کند؟ از نگاه جریان جلیلی وضعیت سیاست خارجی در دولت رئیسی هم تا حدی مبتنی بر عزت نبود (فایل‌های صوتی منتشرشده از یکی از اعضای جریان پایداری در روزهای انتخابات، نشان می‌داد آنها تا چه اندازه در گفت‌وگوهای درونی به

سازش

اگرچه شرایط برای وفاق آماده است، اما وفاق عملی فعلا در میان نیست

بازی اصولگرایان با کارت وفاق ملی

سیاست خارجی دولت رئیسی انتقاد داشتند). بنابراین با وجود چنین شکاف‌هایی در اهداف و معنا چگونه می‌توان بر سر این موضوعات وفاق ایجاد کرد؟

توافق بر سر رقابت، نه نزاع

مشکل سیاست ایران که بیش از سه دهه است جریان‌های سیاسی و حتی پرونده‌های مهمی مانند سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای را هم به گروگان خود گرفته، واردشدن سیاست به فاز «ستیز و سازش» است. ما در روزنامه «شرق» بارها درباره رادیکالیسم و تلاش‌ها برای خالص‌سازی در سیاست هشدار داده و راه برون‌رفت از این وضعیت را خروج از دوگانه «ستیز و سازش» و به رسمیت شناختن «رقابت» معرفی کردیم (رجوع کنید به مقاله «جایگزینی رقابت به جای سازش و ستیز»، سالنامه شرق، داوود حشمتی، ۱۱ اسفند ۱۴۰۲).

در همان مقاله از تعریف دکتر علوی‌تبار در مقاله «ستیز، سازش و رقابت» در شماره ۶ نشریه «مشق نو» استفاده شد که در آنجا این مفاهیم این‌گونه تعریف شده است:

۱- «ستیز»: ستیز فرایندی اجتماعی است که هنگامی پدید می‌آید و شکل می‌گیرد که دو یا چند گروه آگاهانه تلاش کنند در راه رسیدن دیگری به هدف مانع ایجاد کرده و در جریان این تلاش، به یکدیگر آسیب زده، یکدیگر را شکست داده و در صورت امکان نابود کنند.

۲- «سازش»: مفهوم سازش قدری مبهم‌تر است. برخی در سیاست با نظر منفی به سازش نگاه می‌کنند. برخی دیگر سازش را نتیجه به بن‌بست رسیدن ستیز به دلیل توازن قوای دو طرف و ناتوانی آنها از آسیب‌زدن بدون تلافی به دیگری و ناتوانی از حذف دیگری می‌دانند. می‌توان این تلقی را «سازش منفی» نامید.

۳- «رقابت»: رقابت فرایندی است قاعده‌مند و مسالمت‌آمیز که در آن یک فرد (یا گروه) می‌کوشد تا دیگران را از دستیابی به هدفی که خود در پی کسب آن است، بازدارد. روشن است که رقابت با ستیز تفاوت دارد. رقابت به واسطه هنجارهایی که خشونت (اقدام علیه افراد و اموال) را آشکارا رد می‌کند، مهار و کنترل می‌شود. هنگامی که قواعد تنظیم‌کننده در رقابت زیر پا گذاشته می‌شوند، ستیز آغاز می‌شود.

البته دکتر علوی‌تبار نوع دیگری از سازش را که درواقع نوعی از همکاری است، نیز تشریح می‌کند. به اعتقاد او، «در دیدگاه سوم، سازش به نوعی همکاری میان دو یا چند گروه رقیب (یا در ستیز یا یکدیگر) تلقی می‌شود که امکان توافق برد-برد را برای طرفین فراهم کرده و پیروزی یا شکست کامل را برای هیچ‌کدام به ارمغان نمی‌آورد. این تعبیر سوم از سازش را می‌توان «سازش مثبت» نامید. اوج سازش مثبت «همکاری» است. به عبارت روشن‌تر همکاری برعکس ستیز و رقابت، فرایندی است که در آن دو یا چند گروه برای دستیابی به هدفی مشترک، به یکدیگر کمک می‌کنند. با این تقسیم‌بندی، حال می‌توانیم نگاهی به عرصه سیاسی ایران بیندازیم.»

در نتیجه می‌توان گفت بهترین حالت برای ایجاد یک وفاق ملی در داخل کشور، عبور از دوگانه ستیز و سازش و واردشدن به حیطه‌ای از سیاست است که در آن رقابت میان گروه‌های سیاسی بدون دخالت نهادهای سیاسی یا نهادهای قدرت صورت بگیرد. به طور طبیعی جریان اصلاحات خواهان چنین وفاقی است. اما جریان مقابل همچنان تلاش می‌کند تا ستیز و سازش در دستور کار قرار بگیرد تا در سایه آن بتواند از نهادهای مختلف برای بازگشت به مناصب استفاده کند.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL GENEVE

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran